**بسم الله الرحمن الرحیم [[1]](#footnote-1)**

کلام در یقین به تکلیف، شک در مکلف‌به و دوران امر بین متباینین بود. بنا شد چند نظریه را مورد بررسی قرار بدهیم.

**نظریه اول:** نظر محقق خراسانی صاحب کفایه بود. عرض شد که ابتدا چند مقدمه را باید اشاره کنیم تا بعد نظر محقق خراسانی را توضیح بدهیم سه مقدمه بیان شد که مراتب حکم در نگاه محقق خراسانی و چرا حکم را به چهار مرحله تقسیم کرده‌اند که جهتش جمع بین حکم ظاهری و حکم واقعی بود.

**مقدمۀ چهارم:** محقق خراسانی در این تقسیم تقسیم چهارگانۀ حکم یک تغییری را به وجود می‌آورند آن تغییر هم به جهت محذور و مشکلی است که برای نظریۀ ایشان حادث شده است.

توضیح مطلب: ایشان برای جمع بین حکم ظاهری و حکم واقعی و رفع تضاد بین این دو احکام را چهار قسم کردند فرمودند حکم واقعی در مرحلۀ انشاء است و حکم ظاهری در مرتبۀ فعلیت است، مشکل را اینگونه حل کردند محذوری که اینجا برای ایشان به وجود آمد این بود که مستشکلی به ایشان اشکال می‌کند که حکم انشائی در حقیقت حکم نیست، هنوز به مرحلۀ ابلاغ نرسیده است و اعلام نشده است، ثواب ندارد، عقاب ندارد، وجوب فحص ندارد، چگونه شما می‌گویید حکم واقعی حکم انشائی است؟ حکم انشائی که حکم نیست، یعنی حکم واقعی، وجوب متابعت و وجوب جستجو ندارد به علت این محذور ایشان تقسیم را پنج‌گانه می‌کنند و می‌گویند حکم اقتضائی، حکم انشائی، حکم فعلی یعنی حکم بعد از ابلاغ بر دو قسم است گاهی حکم فعلی من جهۀ است و گاهی حکم فعلی من جمیع الجهات است. حکم فعلی من جهۀ یعنی حکمی که مولا ابلاغ کرده است ولی ممکن است مانعی بیاید جلوی این حکم را بگیرد با اینکه فعلی است. حکم فعلی من جمیع الجهات یعنی حکمی که ابلاغ شده است هیچ مانعی هم از آن نیست و باید مکلف امتثالش کند، آنگاه می‌فرمایند در مواردی که انسان به حکم ظاهری عمل می‌کند و حدیث کل شئ حلال پیاده می‌کند، شرب تتن در واقع حرام است او می‌گوید حلال است حکم واقعی فعلی من جهۀ است در این مرتبه قرار دارد حکم ظاهری فعلی من جمیع الجهات است باز اختلاف رتبه شد هیچ تضادی وجود ندارد.

**مقدمۀ پنجم:** هر جا ما علم تفصیلی داریم چون هیچ شکی وجود ندارد تصور حکم ظاهری هم اینجا نمی‌شود مرحلۀ حکم ظاهری ثبوتا نیست. زید یقین دارد امروز شنبه ظهر، نماز ظهر چهار رکعتی بر او واجب است. هیچ شکی نیست موضوع برای او محرز است. ولی اگر انسان علم اجمالی داشت چون قبلا توضیح دادیم که علم اجمالی همیشه یک تردید در متعلق با او وجود دارد نمی‌دانم امروز نماز قصر بر من واجب است یا نماز تمام، وجدانا شک وجود دارد. موضوع اصول عملی و حکم ظاهری شک است پس ثبوتا ممکن است کسی اینگونه فکر کند که در اطراف علم اجمالی چون شک دارم آیا اصول عملی فرض می‌شود یا فرض نمی‌شود؟

این مقدمات تمام شد، حالا ببینیم محقق خراسانی در شک در مکلف‌به دوران امر بین متباینین نمی‌دانم نماز قصر بر من واجب است یا اتمام، بر فرض اینکه دو ماهیت متباین است، یا نماز ظهر بر من واجب است یا نماز جمعه، آیا وظیفۀ من وجوب موافقت قطعی و حرمت مخالفت قطعی است؟ حتما باید احتیاط کنم یا نه؟

محقق خراسانی اینجا چند مطلب دارند.

**مطلب اول:** مقدمۀ پنجم را اینجا تحلیل می‌کنند آیا در اطراف علم اجمالی که شک وجود دارد ثبوتا اصول عملی فرض جریان دارد یا ندارد؟ محقق خراسانی می‌فرمایند بله در اطراف علم اجمالی ادلۀ اصول عملی می‌گوید ثبوتا جریان اصول عملی مشکلی ندارد. در یک دلیل ایشان پیاده می‌کنند یکی از ادلۀ برائت و اصل حل حدیث «کل شئ حلال حتی تعلم انه حرام» است، ایشان می‌فرمایند «کل شئ حلال» کلمۀ کل بالوضع ظهور در عموم و شمول دارد هر شئ مشکوکی حلال است تا بدانی حرام است هر شئ مشکوکی حلال است چه آن شئ طرف علم اجمالی باشد یا شک بدوی باشد هر دو را شامل می‌شود پس «کل شئ حلال» می‌گوید نماز قصر که مشکوک است می‌توانی ترک کنی یا این مایع اگر مشکوک است بر تو حلال است.

**ان قلت:** به محقق خراسانی اشکالی می‌شود خودشان هم متعرض می‌شوند چرا ذیل حدیث را در استدلال دقت نمی‌کنید؟ حدیث یک ذیلی دارد که باعث می‌شود اطراف علم اجمالی خارج بشود فقط مربوط به شبهات بدوی باشد، «کل شئ حلال حتی تعلم انه حرامه» هر شئ‌ای حلال است تا علم به حرمت داشته باشی ما در اطراف علم اجمالی درست است شک داریم ولی علم به حرمت هم داریم، یقین داریم یکی از این دو مایع حرام است پس ذیل حدیث می‌گوید چون علم داری حق نداری اصل عملی جاری کنی. فرض کنید صدر حدیث می‌گوید در هر مشکوکی هر چند علم اجمالی داری، اصل حل جاری کن صدر و ذیل تعارض دارند تعارض و تساقط می‌کنند قدر متیقن از ادلۀ برائت شک بدوی است شامل اطراف علم اجمالی نمی‌شود.

ایشان دو جواب می‌دهند می‌فرمایند:

**جواب اول:** ذیل حدیث به دو قرینه مختص علم تفصیلی است و ربطی به علم اجمالی ندارد، علم اجمالی داخل در صدر است می‌توانی برائت و حلیت جاری کنی.

**قرینۀ اول:** در روایت آمده است «حتی تعرف انه حرام» ضمیر انه به آن شئ برمی‌گردد هی شئ ای حلال است تا بدانی آن شئ حرام است. مگر در اطراف علم اجمالی نسبت به مایع اول شما می‌دانید این شئ حرام است؟ ابدا تردید دارید پس بگو حلال است.

**قرینۀ دوم:** می‌فرمایند در بعضی از نقلهای روایت آمده است «کل شئ حلال حتی تعرف انه حرام بعینه» کلمۀ بعینه آمده است تا بدانی آن شئ مشخصا حرام است در اطراف علم اجمالی این مایع مشخصا حرام است نخیر نمی‌دانیم بنابراین کل شئ حلال جاری می‌شود در اطراف علم اجمالی و مشکلی نخواهد داشت.

**جواب دوم:** محقق خراسانی می‌فرمایند فرض کنید ذیل شامل علم اجمالی بشود به این بیان «حتی تعرف انه حرام» گفته شود امام فرموده‌اند تا بدانی آن شئ حرام است، نفرموده‌اند علم تفصیلی داشته باشی حرام است. علم اجمالی هم داشته باشی به اطلاق ذیل شامل علم اجمالی می‌شود. مع ذلک محقق خراسانی می‌فرمایند صدر این جمله «کل شئ حلال» به دلالت وضعی می‌گوید هر شئ مشکوکی حلال است کل شئ چه طرف علم اجمالی باشد یا نباشد، ذیل هم می‌گوید نخیر در اطراف علم اگر علم داشتی اصل حل جاری نکن، صدر و ذیل با هم تعارض دارند، ولی صدر روایت دلالتش بر عموم بالوضع است کلمۀ کل است اعلی مرتبۀ عموم دلالت کل است که می‌گویند بالوضع است. دلالت ذیل بر شمول به اطلاق و مقدمات حکمت است بارها در اصول گفته‌ایم دلالت اطلاق بر شمول، دلالت سکوتی است به تعبیر محقق خوئی و شهید صدر ولی عموم دلالتش بر شمول به نص و وضع و به تصریح است اگر بین عموم و اطلاق تعارض شد عموم وضعی مقدم است بر اطلاق لذا می‌گوییم «کل شئ حلال» اخذ به آن متعین است. بنابراین ثبوتا در اطراف علم اجمالی اگر مانعی نباشد ادلۀ اصول عملی می‌گوید حکم ظاهری برائت و حلیت جاری می‌شود و محذوری ندارد. ادامۀ مطلب خواهد آمد.

1. - جلسه هفتم - مسلسل 125 – شنبه – 29/6/1399 [↑](#footnote-ref-1)